



پرورش کودکان

معمای والدین

بقام ۱. ر. سریکانتیا - ترجمه مسعود معدل

سراسیمه وارد اطاق شده و پس از گرفتن ترکه از دست شما شروع به تسلی دادن طفل نموده و بعد شما را قانع کرده و میگوید که بچه مان هنوز کوچک است. متدرجاً اخلاقش بهتر میشود و چیزهای بهتری یاد خواهد گرفت.

این برده در درام زندگی پیوسته تجدید میشود. مقاصد و نیات شما در باره بچه ثان خوب است. مایلید که وی موجودی سالم، زیبا، درستکار و با هوش گردد. ولی رفتار او طوری است که بکلی با آرزهای شما تباین دارد و برای تسلی دادن خود ثان میگوئید که این بچه بلائی است که هرگز آدم نخواهد شد.

تقصیر بچه چیست؟

البته برای راضی کردن حس خود خواهی و غرور خودمان خیلی آسان است که تقصیرها را کردن بچه بگذاریم. واقعاً هم پدر و مادرها با ادعای اینکه بچه آنها بلاست و یا اصلاح نشدنی است او را محکوم کرده خود را از تمام خطاها و اشتباهات مبرا مینمایند.

اگر نخواهید حقیقت امر را بخود مشقته نمائید

بچه بی تقصیر است مقصر واقعی شما هستید. خوانندگانیکه این سطور را میخوانید بعید نیست که شما هم دارای فرزند بی بوده و مانند بسیاری از والدین به درد «معمای بچه» گرفتار باشید. شما از رفتار بچه خود که خیلی ترشرو خجول و ترسو بوده و برسر اندک چیزی گریه را سرداده و آه و ناله میکنند و یا اینکه خیلی شیطان و حرف نشنو بوده و از مدرسه فرار کرده و خواهر یا برادر کوچکترش را در خانه میزند آزرده و رنجیده خاطر هستید. اگر بچه شما کمی بزرگتر است با مهارت تمام بعضی اشیاء را از جیب شما میرباید و این در صورتی است که باشیاء دیگران کاری نداشته باشد. اگر همسر شما مقصدار مختصری پول خورد در قفسه آشپز خانه بگذارد بطور اسرار آمیزی ناپدید میگردد. شما بدلیل اینکه پدر هستید از مشاهده اخلاق بچه خود و فکر عواقب بعدی آن نگران شده و در صد رفع آن برمیائید و برای این منظور دست به ترکه برده و تصمیم به تنبیه او میگیرید ولی بچه برای نجات خود شروع به داد و فریاد کرده و لحظه بعد مادرش

آهنگ

ملت باید بیش از هر چیز به تربیت اطفال توجه کرد کلتیک های زیادی مخصوص رانما ایهایی لازمه برای تربیت اطفال و مؤسسات تربیتی جهت تهذیب اخلاق و تأسیسات نظیر آن بسرعت زیاده و بتعداد فوق العاده بوجود آمده تا اطفال را در شاهراه زندگی هدایت نموده و تا حد امکان تسهیلات لازمه را فراهم آورند ولی در بین ما تعداد اینگونه مؤسسات بسیار ناچیز است و از این جهت با وضعیت قرون وسطی فرقی ندارد - این امر تا اندازه ای ناشی از فقر، کثافت و عدم تنویر افکار عمومی بوده و قطعاً تمام اینها را میتوان با بهبودی وضعیت اقتصادی از بین برد.

اجازه بدهید حکایتی برای شما نقل کنم . در یونان قدیم پدری طفل خود را بیش یکی از فلاسفه برد و از او خواست کرد که ویرا تربیت کند فیلسوف یونانی پرسید که سن پسر شما چقدر است پدر طفل را نشان داده و گفت فقط ده ماه . فیلسوف پرسید گفت ده ماه ! باید تا بحال تربیت این طفل تمام شده باشد . البته این جواب جنبه مبالغه دارد ولی مقصود



زن ! این طفل معصوم چه گناهی کرده

آنگ

خواهید پرسید علت چیست و چه چیزی سبب میشود که بچه بنحو مطلوب بار نیاید . در جواب خواهیم گفت شما بدون تردید شما والدین مقصر واقعی هستید . البته ممکن است از این جواب بخش در آمده فکر کنید کسیکه چنین جوابی میدهد حتماً آدم سفیهی است که چپ و راست مهمل میگوید و برای اینکه حرفتان را به کرسی بنشانید خواهید گفت که شما مسلماً خیلی بیشتر از من به بچه خود علاقه دارید . البته این امر طبیعی است ولی بخاطر داشته باشید که نیت و مقاصد خیرخواهانه شما در باره بچه دلیل نمیشود که آنچه را باید ، در راه پرورش او بعمل میآورید . شک نیست که شما خیر بچه خود را میخواهید و بطریق اولی به آینده او نیز علاقمندید . ولی مقاصد خیرخواهانه و علاقمندی به آتیه او کافی نیست . باید این نکته را تشخیص دهید که عدم آموزش بچه در منزل و می اطلاعی از طرز علمی پرورش علت اصلی سوء تربیت اوست . والدین باید با این حقیقت تلخ روبرو شده و به این نکته پی برند که پدر و مادرها بیش از بچه احتیاج به راهنمایی و تعلیم دارند . اطفال بمنزله مواد خام گرانبهائی میباشند و در آوردن آنها بصورت محصولات طبیعی سالم مستلزم تربیت و روش خاصی است که اشتباه در آن بسی خسران بخش و برآستی مایه تاسف است . در کشورهای متمدنی یعنی در کشورهاییکه مردم آنقدر شعور دارند که بفهمند برای پیشرفت و سعادت

که از بعد هنوز بود شود . مت . ستکار ت که تسلی است و می و ها را های او را بیات بائید

میشود همه از تجربیات دوران طفولیت آب میخورند
یقیناً به پرورش بچه خود توجه بیشتری مبذول
خواهید داشت .

طفولیت یک دوره آزمایش طولانی

وضعیت جانوران و حیواناتی مانند میمون ،
گاو ، سگ و گربه را تحت مطالعه قرار داده و
با نوزاد انسان مقایسه نمائید . بچه حیوان فقط
تا مدت مختصری متکی به پدر و مادر خود میباشد .
گوساله بفاصله چند دقیقه بعد از تولدش شروع
به بازی و جست و خیز میکند . مدت احتیاج
توله سگ و بچه گربه به مادر بسیار کوتاه است حال
بینیم سرگذشت زاده انسان چیست و مدت احتیاجش
بوالدین چقدر است . دوران طفولیت او معتد
و طولانی است بطوریکه یکبار دکتر ویلیام جیمس
اطهار داشت دنیا برای نوزاد انسان عبارت از محل
پر سر و صدا و پر همه است که وی هیچ چیز
آنها درک نمیکند . این موجود دو پا بمحض تولد
با فریاد و شیون ورود خود را به این دنیا اعلام
میدارد . مثل اینست که بدبشوسيله از پدر و مادر
خود میخواهد که او را در این جهان درهم و برهم
حفظ کنند . این دوره بمنزله شمشیر دو سر بوده
و در این دوره است که والدین باید طوری طفل
را مجهز و عبارت دیگر بهتر تربیت کنند که بتواند
دو برابر ضربات طوفان زندگی مقاومت نماید . ولی
از طرف دیگر این خطر هم هست که پدر و مادرها
اولاً بعلت بی اطلاعی از چگونگی تربیت طفل
و ثانیاً باتسکاء وقت زیادی که برای تربیت او در دست
دارند این وجود معصوم و بیگناه را که حقاً و
جدتاً مسئول سعادت آینده او هستند برای همیشه
موجردی عصبانی و دجرم بار آورند .

خانواده ها

خانواده متمول - این خانواده ها را من بنام

اصلی فیلسوف یونانی آن بود که یک حقیقت بارز
را نشان بدهد . و آن اینست که روح و فکر
طفل فوق العاده حساس بوده و سریعاً هر رنگی را
می پذیرد بدین سبب از بین بردن عادات زشتی که در
مراحل اولیه فرامیگیرد محتاج صرف وقت زیادی است .
فیلسوف یونانی را بحال خود بگذاریم و بینیم
عقلای معاصر چه میگویند . دکتر جان . ب
واستون که یکی از روانشناسان مهم امریکا است
یکبار اعلام کرد که اگر یک طفل سالم و عادی را
تحت اختیار او بگذارند میتواند او را مانند یک
ناپلئون ، یک شاعر ، یک گدا ، یک فیلسوف یا
یک دانشمند و خلاصه بهر نحوی که مایل باشند
تربیت کند . ممکن است ادعای دکتر واستون را
بمعنی تحت اللفظی آن باور نکنید ولی حقیقت
اینست که دوران طفولیت بمنزله خاک بکر و دست
نخورده است که میتوان در آن هرگونه محصولی
بیار آورد . آری مغز بچه مانند بوستانی است که
باید بطرز صحیح در آن کشت و زرع کرد که اگر
تغافل ورزید علفهای هرزه یعنی عادات زشت
دروا نشو و نما مینماید و وظیفه شما را مشکل
خواهد کرد .

مربیان و روانشناسان مکتب های مختلف حتی
کسانی که به گروه مخالف تعلق دارند همگی در این
نکته یعنی اهمیت دوران طفولیت متفقند . اگر
بدانید که بسیاری از عادات زشتی که در سنین
بلوغ ، جوانی و سایر سالهای عمر در طفل شما
پدیدار میگردد طی دوران طفولیت در روح وی
ریشه کرده ، اگر بدانید که منبع اصلی عدم توازن
فکری و کج رویهاییکه بعداً در طفل شما ظاهر
میگردد از رفتار و اطوار زمان کودکی او سرچشمه
میگیرد و همچنین وجود اعتماد یا عدم آن که
شخص بالغ باتسکاء آن با مشکلات زندگی مواجه
۱۰ - آهنگ

رشد جسمانی اطفال این طبقه پیوسته با اشکالات زیادی مواجه است و به همین نحو زندگی در شرایط غیر صحیح و بعضی اوقات وجود پدر الکلی و همچنین مشاجرات پدر و مادر و فحش هائیکه بیکدیگر میدهند و دروغ هائیکه بیکدیگر میگویند سبب میشود که در مرحله اول بچه بخوبی رشد نکرده و از لحاظ روحی نیز تحت تاثیر قرار گیرد. مثلاً چندان صدیق و راستگو بار نیاید. ولی بطور کلی اطفال این طبقه در پیش آمد های سخت خونسردی خود را حفظ کرده و در رفع و حل آن بصیرت و ذکاوت خاصی از خود نشان میدهند.

در بسیاری از خانواده های اشراف بچه محبت لازمه را از پدر و مادر نمیبینند. در این گونه

« بورژوا » میخوانم. افراد این فامیل کسانی هستند که وضعیت مالی آنها خوب بوده و بعلاوه دارای آموزش لازمه میباشند. این عده در تربیت بچه های خود چندان موفقیتی حاصل نمیکند و متأسفانه اغلب بچه های ناز پرورده به این بخش جامعه تعلق دارد. اما اطفالی که از طبقات پائین تر یعنی طبقات کارگران و مزدوران بوجود میآیند معمولاً از خود قوه تعقل و شعور بیشتری نشان داده و در پیش آمدهای غیر منتظر خونسردی خود را از دست نمیدهند و دارای قوه بردباری و شکیبایی بیشتری هستند. البته من نمیگویم که اطفالی که از این طبقات بوجود میآیند خالی از هر گونه عیب و نقص میباشند. برعکس بر اثر عدم تغذیه صحیح



منگه خواهی نخواهی مدرسه میروم ولی بگیر - این هم مزد تو .

خانواده ها با وجود محبتی که مادر از روی غریزه طبیعی بفرزند دارد معیناً اغلب بچه را برای خود سرباری میداند ، هر چند ظاهراً چنین اظهاری نمیکند . در فامیلهای اشرافی غالباً مادرها برای پرورش بچه یک دایه و همینکه بزرگتر شد پرستاری استخدام مینمایند مادر تمام وقت خود را صرف مواظبت از سگ زیبای خود کرده یا کتاب های مهمل و بیمعنی خوانده و یا به گردش و مهمانی و ملاقات دوستان میبرد . ولی گاهگاهی بچه خود را دیده و او را بچشم اسباب بازی مینگرد که تولید تفریح و سرگرمی میکند و همانطور که تعاشاچی ها در باغ وحش برای دیدن حرکات حیوانات چند با دام زمینی به طوطی یا نان قندی به خرس میدهند او هم چند شکلات یا قاف شیرین به بچه داده دهان او را با بوسه مهر میکنند ولی همین بوسه هم روی علاقه بفرزند نیست بلکه نیمی از آن ناشی از عشق و محبت به خویشتن است و نیم دیگر مولود آداب و رسوم اجتماعی است . باری بعد از اینکه این مادر طفل خود را بوسید او را در آغوش دایه اش گذاشته و آه رضایت آمیز میکشد - گویی تمام وظایف مقدس مادری را انجام داده است و بعد هم هر جا که صحبت از بچه داری بمیان آید پشت چشم را نازک کرده خم پایرو انگنده و میگوید احسان از بچه داری که جان انسان را به لبش میآورد!

در چنین خانواده هائی بعضی اوقات کار بجائی میرسد که بچه به پرستار یا مستخدم خانه علاقه بیشتری پیدا کرده و اگر مادرش بخواد او را در بغل گیرد و اظهار مهر و محبتی بکند شروع به دست و پا زدن و ابراز خشم مینماید و به آغوش پرستار پناه میبرد . اما پرستار هم هرگز علاقه زیادی

بفرزند نداشته و نمیتواند داشته باشد فقط بخاطر چک آخر ماه است که بچه را نگاهداری میکند و غالباً داری هیچگونه آموزش مخصوصی برای پرورش بچه نیز نمیشاند . با بنظر بقی بچه بزرگ میشود در حالیکه گرسنه محبت و دلسوزی های مشفقانه است .

حتی در خانواده های اشرافی در مواردیکه پدر و مادر شخصاً به پرورش بچه خود توجه میکنند باز هم کمتر امید آن میروند که بچه بطرز شایسته تربیت شود . زیرا بیوسه مستخدمین زیادی در اطراف او هستند که آماده فرمان او بوده و پدر و مادر هم اجازه نمیدهند که فرزندشان زیاد بخود زحمت بدهد و در نتیجه مهربانیها و محبت های فوق العاده و بیمعنی که به بچه خود نشان میدهند او را لوس و نر و ناز پرورده بار میآورند و همینکه بچه بزرگ شد و از محیط خانه بیرون رفت همان رفتار شاهانه و تکبر آمیز را در خارج هم نشان میدهد و انتظار دارد که سایرین هم همان بندگی و اطاعت مستخدمین منزلش را به او نشان دهند . اشتیاق و علاقه بی اندازه ای که از طرف پدر و مادر به چنین کودکی نشان داده شده و زندگانی پر تجمل و با شکوهی که وی در آن پرورش یافته همه سبب میشود که بچه بصورت موجودی از خود راضی و ظاهر ساز در آمده و علاقه زیادی به شخص خود پیدا کند . تمام اینها در سنین بلوغ و جوانی دارای تاثیرات و عکس العمل های زبان بخشی خواهد بود . از آنچه گفته شد میبایستی با محبت پرورش بچه طی دوران طفولیت پی برده باشید .

ترس های کودکان

اطفال از بسیاری از چیزهائیکه اشخاص بالغ ازان واعمه دارند نمیترسند . تجربیات زیاد نشان داده



این طفل هم گریه را سلاح نیرومندی دانسته به مجردیکه والدین بتقاضاهای بیجایش تسلیم نگردند بکار میبرد

بگذارند تا جرات و جسارت خود را نشاندهد و با چیزهاییکه در اطراف خود میبیند تجربیاتی حاصل کرده و از آنها سردرآورد. این امر سبب میشود که بچه از راه آزمایش و اشتباه، بسیاری از مسائل را فرا گیرد. غریزه کنجکاوی را که منبع تمام دانشهاست نباید در بچه از بین برد. بلکه باید بر شدت آن افزود و آنرا بطرز صحیح بکار انداخت.

گریه - سلاح نیرومند کودکان

مطالعه والدین بخصوص مادرها باعث علاقه که بفرزند خود دارند اغلت در همینکه اطفال گریه میکنند خواهش های بیمعنی آنای را بر میآورند. موقفیتی که بچه از این عمل بدست میآورد سبب میشود که هرگاه والدین از قبول تقاضاهای او سر باز زنند گریه را سر دهد. بطوریکه کم کم گریه بمنزله یک سلاح نیرومند و روش کلی از میگردد. به این ترتیب همینکه کودک مراحل طفولیت را پیمود و بچه بزرگی شد باز هم گریه را وسیله پیشرفت و نیل بمقصود خود میدانند ولی پدر و مادر علاقمند

که شرایط و اوضاع و احوالی که در نوزاد ایجاد ترس میکند بسیار کم است مثلاً بچه از صدای بلند میترسد و از درد و اغمه دارد. ترسهای دیگر را والدین در روح او ایجاد میکنند. بکرات اتفاق میافتد که بچه ها مارهای خطرناک و یا حشرات موزی یا سوسک را در دست گرفته و با بدون هیچگونه ترسی در تاریکی راه میروند. اما همچنانکه روز بروز میگذرد و پدر و مادر

سعی میکنند هر روز چیزی به او یاد بدهند متدرجاً ترس های خود را نیز به او تلقین میکنند. مثلاً موقعیکه بچه میخواهد داخل اتاق تاریکی شود مادر متوجه شده و فریاد میزند که «نرو!». این صدای ناگهانی که برای بچه تعجب آور است ذهن او را مشوب کرده و ترس از ورود در اتاق تاریک و اصولاً ترس از تاریکی را در او بوجود میآورد. متوجه باشید که در این مورد ترس، از صدای ناگهانی و بلند در بچه تولید میشود نه از تاریکی و ظلمت باری به همین نحو پدر و مادرها ترس از تاریکی را در روح طفل جایگزین میکنند.

البته بچه را باید در مقابل خطرات واقعی حفظ کرد ولی در عین حال نباید با زیاد رویهای بیمورد او را موجودی عصبانی و ترسو بار آورد. بچه را باید طوری تربیت کرد که خیال نکند دنیا محل پر خطری است که باید پیوسته مواظب خود بود. البته والدین باید مواظب طفل خود باشند اما در عین حال باید او را باندازه لزوم آزاد

و هوشیار نباید به گریه کودک وقتی بگذارند بلکه باید سعی کنند که عادت گریه کردن را از همان مراحل اولیه از بین ببرند بدینمعنی که وقتی کودک خواهش نامعقول و بیمعنی میکند بگذارید آفتدر گریه کند تا خسته شود. اگر به این دستور عمل کنید بچه شما دیگر به فکر گریه نخواهد افتاد.

مورد دیگری نیز وجود دارد که والدین باید انرا با مهارت و حضور ذهن حل کنند. فرض کنید که دارای بچه دو ساله یا سه ساله بوده و در انتظار فرزند دیگری هستید معمولاً تولد خواهر یا برادر در روح بچه اول تاثیر عمیقی میبخشد. با تولد نوزاد، بچه بزرگتر حس میکند که دیگر مثل سابق از او توجه نمیشود و چون که به محبت و مراقبت های مادر خود عادت کرده تصور میکند که همه اینها زیر سر خواهر یا برادر کوچکتر اوست. از این رو حسود و عبوس میشود. من در بعضی موارد دیده ام اطفالیکه دو چار چنین وضعیتی شده بودند خود را به ناخوشی زدند تا باز مورد محبت و توجهات مادر خود قرار گیرند و حتی اطفالیکه سنشان بین پنج تا شش سال بوده رختخواب خود را ترک میکردند و امر عجیب آنکه این تغییر حال چند روز بعد از تولد نوزاد بوجود آمده بود. پس از آنکه از روی دلسوزی و شفقت با یکی از این اطفال صحبت کردند معلوم شد که بچه احساس کرده بود که از او غفلت شده و توجهی به او نمیشود. به مادر این طفل دستور داده شد که طوری با بچه خود رفتار نماید که دیگر احساس سردی و بی اعتنائی نکند و در عین حال با ملامت باو بفرماند چنانکه باز هم بکار هائی نظیر آن ادامه دهد دیگر مورد محبت او قرار نخواهد گرفت. از این دستورات نتایج

ع ۱ - آهنگ

مطلوبه حاصل شد. بنابر این مادر باید در رفتار خود نسبت به طفل بزرگتر دقت کافی مبذول داشته و طوری کند که فرزند بزرگتر او به نو زاد یعنی فرزند کوچکتر علاقمند شود.

نخستین طفل شما

همه کس میدانند که اطفال تقلدند. در یک فامیلی که چند بچه وجود دارد اطفال کوچکتر رفتار و اطوار و سکنات بزرگتر را فرامیگیرند. اگر پرریز شانه های خود را بالا انداخته دهان کجی میکند تاخنهای خود را می جود، روی صندلی لول میزند و سر از اطاعت می بیچد و آنچه باو میگویند اعتناء نمیکند بزودی پرورین هم شانه های خود را بالا انداخته دهان کجی میکند و خلاصه تمام حرکات و سکنات پرریز را فرامیگیرد. انوقت بجای اینکه یکی از اطفال خود را اصلاح کنید مجبورید که وضعیت یک یک انها را زیر نظر بگیرید و البته این امر کار خسته کننده است.

ولی اگر بچه اول خود را بطرز صحیحی تربیت کنید وظیفه شما آسان خواهد شد زیرا اطفال بزرگتر بچه های کوچکتر را تربیت خواهند کرد. بنابر این همیشه باید بخاطر داشته باشید که بچه های بزرگتر سر مشق برادران و خواهران کوچکتر خود هستند و اگر انها را خوب پرورش دهید سر مشق و نمونه عادات و اخلاق زشت نخواهند بود.

اگر میخواهید در خانه خود سعادت مند باشید و محیط خوبی بوجود آورید، سعی کنید خونسرد و خوش اخلاق باشید. بد اخمی و مجازات طفل بر سر هر چیزی سبب میشود که اعصاب او درهم شکسته شود. هیچ فایده ندارد که اطفالتان از شما بترسند و حرف های شما را از روی ترس اطاعت کنند. باید سعی کنید که اطفال اوامر شما

را از زحمت فکری در سنین اولیه که موقع بازی اوست نیز رهایی مبخشد .
با وجود آموزشی که در مدارس به فرزندان شما داده میشود معیذا ایجاد شخصیت در ایشان از نخستین وظائف شماست . زیرا در مؤسسات آموزشی در این موضوع تا درجه زیادی سهل انگاری میشود سگار قیستر به این موضوع اشاره کرده چنین میگوید .

اطلاعات بسیاری از مرداران درباره قارج خیلی بیشتر از اطلاعات آنها درباره روح فرزندشان میباشد . فن تعلیم درباره آموزش و تربیت اطفال پیشرفت زیادی کرده ولی این فن در مورد ایجاد شخصیت هنوز در مراحل اولیه سیر میکند . بنا بر این باید وقت بیشتری به بهبودی جسمانی ، تربیت روحی و ایجاد شخصیت در فرزندانتان مبذول دارید . اما برای ایجاد عادات پسندیده و عشق و علاقه به حقیقت و اجتماعی بودن آنها تمیسهات بدنی بیفایده است . ناتوانی و عجز فرزندان شما در قبال شما برایتان کمک بزرگی است . بچه نمیتواند از نقشه های شما سر در آورد و همچنین قادر نیست که با دسائس خود نقشه شما را باطل کند . بنا بر این اگر بوظیفه خود آشنا بوده و میدانید که چه میخواهید بکنید و از روی کیاست و تدبیر نقشه های خود را اجراء نموده و مرتکب اشتباهات و خطاها نیکه در اینجا ذکر شد نگردید یقیناً در انجام وظیفه خود موفق شده فرزندان شما افرادی شایسته ، شخصیهائی برجسته ، کارگران پرکار و همایگان مهربانی بار خواهند آمد .
برخلاف عقیده عمومی ، بسیاری از پدر و مادرها تمیدانند که چگونه با طفل خود رفتار

(بقیه در صفحه ۲۱)

را از روی محبتی که به شما دارند گوش دهند و پیوسته بخاطر داشته باشید که انوار محبت و مهربانی بمراتب از طوفان سهمناک تهدید مؤثر تر است .

کوشش بیفایده و پیش از وقت در فن تعلیم

یکی از وظائف والدین اینست که به مسئله رشد جسمانی و عقلی و پرورش قوای ذهنی طفل خود توجه زیادی مبذول دارند . بد بختانه پدر و مادرهای متجدد و امروزی بدون دلیل معقولی در پرورش قوای ذهنی طفل بیش از پرورش روحی و جسمی او سعی دارند . پدر و مادر هائیکه که خودشان در زندگی تحصیلی چندان موفقیتی بدست نیاورده اند سعی میکنند در عوض فرزندان خود در دانشگاه تمام رکوردها را شکسته حائز درجه اول گردند و برای نیل بدین مقصود فرزندان خود را به مؤسسات مختلفه آموزشی فرستاده و به پرورش جسمی آنها توجهی نمیکنند . این پدر و مادرها نظر بعلاقه مفرطی که به باسواد شدن فرزندان دارند هنگامیکه بچه هنوز باید بازی کرده و جسماً پرورش یابد و پرا به فرا گرفتن السنه خارجه و کلاس سیک و میدارند و بچه بیچاره که همیشه بکتابهایش چسبیده اصلاً وقت نمیکند که به سایر اطفال پیوسته و با آنها بازی کند ، همین بازی کردن بچه ها باهم از نظر اجتماعی دارای تأثیرات مفیدی بوده و بنفسه یک گونه آموزش است . تجربیات نشان داده است که طفل موضوعی را که در سنین اولیه در ظرف دو یا سه هفته فرامیگیرد همان موضوع را همیشه بزرگتر شد در ظرف نصف یا ربع آن مدت فرا خواهد گرفت . بنا بر این شروع آموزش بچه بطریقی که ما توصیه میکنم نه تنها مانع از چیز یاد گرفتن او نمیشود بلکه وی

بود که بر صورت پنجه افکنند که بیدرنگ اکرم با گلوله مغزش را از هم یاشید ببر بر زمین نقش بست. قبل من که هراسان بود ازین منظره هولناک هراسانتر گشت و پا بفرار گذاشت. فیلبان هرچه کوشید آرامش کند سودی نبخشید درین حال تفنگ از دستم افتاد و در دنبال او خودم از فراز فیل پرت شدم دیگر نفهمیدم چه شد و چه گذشت غروب بود که چشم کشودم خود را در چادر و دوستان را در کنار و لاش دو ببر نر و ماده را در بیرون چادر مشاهده نمودم.



مسطحی بود سوار کردیم ببر در نزار پنهان شد و چو تیر خورده و خشکین بود تعاقب وی بسیار خطر داشت و آنکهی فیلبا هم عصبانی شده سر از اطاعت میبجیدند بنا برین چاره را در این دیدیم که نزار را آتش زده و در گوشه ای کمین کرده بمجردیکه ببر برون آید هدفش قرار دهیم. لکن هنوز این تصمیم را عملی نکرده که ناگهان دوباره ببر غرش کنان حمله آورد و در این بار با یک نیروی فوق العاده ای که بوصف در نمیکنجد جهید و بر تارک فیل نصرت سوار گردید. چیزی نمانده

جنبه دینی (بقیه از صفحه ۲۶)

مهای والدین (بقیه از صفحه ۱۵)

ج - همدان

..... اهورمزدا اناهیتا و مثره مرا و پادشاهیم را و آنچه را که ما کرده ایم (؟) نگاهدارند.

IV - ارد شیر سوم

تخت جمشید (A)

بند ۳ - اهورمزدا و مثره مرا، این کشور را و آنچه را که کرده ام بپایند (۱).

(۱) این جمله نیز در کتیبه شوش ارد شیر سوم تکرار شده. * چیزی که قابل توجه است تکرار جملات از طرف یک پادشاه در چند کتیبه و گاه در یک کتیبه است و علت آن تصور امکان خراب یا معیوب شدن قسمت هایی از کتیبه یا تمام آن بوده از این جهت یک موضوع را چند بار در یک کتیبه مکرر می آورند تا اگر قسمتی از بین رفت بقیه کتیبه مقصود را برساند و اگر تمام یک کتیبه در یک محل از میان رفت همان مقصود از کتیبه های محلهای دیگر فهمیده شود - از سوی دیگر برای جلب توجه خواننده مطالب مهم را عمداً مکرر میآورند.

آهنگ - ۲۱

کنند. خیال میکنند که همان غریزه پدر و مادری که در وجود آنها است ایشان را در انجام وظیفه مهمی که بعهد دارند کمک خواهد کرد و لذا تمایلات خود را بر بچه تحمیل میکنند. و حال آنکه جامعه بشریت از اینگونه رفتارها منتفع نخواهد شد و بجای پیشرفت دو چار وقفه و شکست خواهد گردید. پدر و مادرها باید این حقیقت را بپذیرند که مسئله پرورش بچه واقعاً حرفه ایست که فرا گرفتن آن مستلزم مهارت و تدبیر بسیار است. تا موقعیکه پدر مادرها بچه را عبارت از یک لوله هاضمه می میدانند که یک جانب آن دارای سرو صدای زیاد بوده و سر دیگرش دارای هیچگونه مسئولیتی نیست، هرگز نخواهند توانست وظیفه ای را که مدیون خود و اطفال و جامعه میباشند انجام دهند و فرزونی اینگونه پدر و مادرها است که عجله معروف «پونچ» را بران داشت که به این موضوع اشاره کرده و بنویسد که «این پدر و مادرها هستند که هرگز نه باید صاحب بچه شوند، آری بچه بی تقصیر است».